

بیانیه پیرامون آتش بس و مرزهای بین‌المللی

هموطنان عزیز

در پی تلاش‌های سازمان ملل متحد و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب ایران رژیم عراق با استفاده از شرایط خاصی که موجب پذیرش قطعنامه از طرف ایران گردید، به تهاجم و تجاوز به داخل مرزهای کشورمان پرداخت و اگر چه با مقاومت و ایثارگری یکپارچه ملت ایران روبرو شد و مجبور به عقب‌نشینی گردید، اما در صحنه دیپلماسی به زور آزمائی جدیدی پرداخت و سعی کرد تا از عملیات نظامی تجاوز گرانه خود امتیازات سیاسی کسب نماید و قبول آتش بس را، به آغاز مذاکره مستقیم بین عراق و ایشارن مشروط نمود. به نظر می‌رسد که هدف عراق از این رهگذر تعیین تکلیف مرزهای بین‌المللی میان دو کشور قبل از هرگونه اقدامی در راستای اجرای قطعنامه می‌باشد.

در حالی که مرزهای بین‌المللی بین دو کشور بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین و مورد توافق طرفین قرار گرفته است و ایران همانطور که برخی از مقامات مسئول هم گفته‌اند، بر این امر تکیه می‌کرد و آغاز مذاکره مستقیم را نه بعد از قبول و اجرای آتش بس، بلکه اجرای مفاد مواد ۱ تا ۳ قطعنامه، یا حداقل ماده یک آن موکول می‌نمود، خصوصاً که در برنامه اجرائی دبیر کل سازمان ملل نیز به قرارداد ۱۹۷۵ در مورد مرزهای بین‌المللی شناخته شده تصریح گردیده است.

اهمیت و حساسیت این امر در این است که به موجب ماده ۱ بعد از اعلام آتش بس نیروهای طرفین بلافاصله باید به پشت مرزهای بین‌المللی شناخته شده برگردند. قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق تکلیف مرزهای بین‌المللی بین دو کشور را روشن ساخته است. این قرارداد در سازمان ملل به ثبت رسیده است. ایران از یک موقعیت ممتازی در این مورد برخوردار است و می‌بایستی حرکت سیاسی خود را بگونه‌ای تنظیم و اجرا می‌کرد که قبل از آغاز مذاکرات مستقیم، نیروهای طرفین بر طبق ماده ۱ قطعنامه به مرزهای شناخته شده بر طبق قرار داد ۱۹۷۵ باز می‌گشتند. آتش بس تنها قسمتی از ماده ۱ قطعنامه است

و قبول مذاکره مستقیم، بعد از آتش‌بس و قبل از برگشت نیروها به مرزهای بین‌المللی شناخته شده باعث آن می‌گردد که «مرزهای بین‌المللی» اولین دستور مذاکرات مستقیم بشود. با توجه به شرایط و وضعیت خاصی که منجر به قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران شد، طرح مسئله «مرزهای بین‌المللی در مذاکرات مستقیم» ایران را بالاجبار به مسائلی خواهد کشانید که در نهایت به نفع ایران نخواهد بود. عراق نمی‌خواهد به توافقنامه ۱۹۷۵ گردن بزند، و جمهوری اسلامی ایران هم نمی‌بایستی آنچه را که در رژیم سابق به نفع ایران توافق شده است از دست بدهد. به این دلایل نهضت آزادی ایران بر این باور است که مقامات تصمیم‌گیرنده ایران می‌بایستی مذاکرات مستقیم را موکول به اجرای کامل ماده یک قطعنامه می‌کردند.

نهضت آزادی ایران همچنین اعلام می‌دارد که بعد از قبول قطعنامه توسط ایران و اعلام و اجرای آتش‌بس و آغاز مذاکرات مستقیم، مسائل و موضوعات در این مرحله از ختم جنگ از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است و هرگونه ساده‌اندیشی و ساده‌نگری از جانب اعضای مذاکره‌کننده و تصمیم‌گیرندگان ایران موجب زیانها و پیامدهای جبران‌ناپذیری برای ملت و مملکت خواهد شد.

لذا ضروری است که اولاً هیئت مذاکره‌کننده ایرانی از کسانی تشکیل شود که هم تجربه کافی و هم در مسائل مورد بحث، از قبیل مرزهای بین‌المللی، تخصص و دانش لازم را داشته باشند و از کارشناسان ورزیده‌ای که عرق ملی و میهنی دارند حتماً استفاده گردد.

ثانیاً فشار سانسور از رسانه‌های گروهی برداشته شود تا همه اقشار ملت و صاحب‌نظران و علاقمندان بتوانند از مسائل و پیشرفت‌های حاصله و توافقات مطلع شده و اظهار نظر نمایند.

مردم نگران آنند که خدای ناکرده در پایان جنگ، توافقاتی به مراتب بدتر از موافقت‌نامه‌های معروف به الجزایر در پایان گروگانگیری، به ایران تحمیل و یا پذیرفته شود که در آن صورت ابعاد و پیامدهای آن به مراتب وسیع‌تر و خطرناک‌تر از پیامدهای بیانیه‌های الجزایر خواهد بود.

نهضت آزادی ایران